محمدرضا قائمی‌نیک و مصطفی غفاری در میزگرد «فرهیختگان» به یک پرسش اساسی پاسخ می‌دهند

چه چیزی اجازه تولد جامعه‌شناسی ایرانی را نمی‌دهد؟

سیدجواد نقوی
خبرنگار گروه ایده حکمرانی

پرسش از یک رشته علمی و جریانی آن بحث تازه‌ای نیست اما پرسش از برخی رشته‌ها همچون جامعه‌شناسی یا توجه به تحولاتی که درحال حاضر به‌سرعت در جریان است از اهمیت دوچندانی برخوردار است. این اهمیت بدان جهت است که در چنین وضعیتی، که ما انتظار داریم علم جامعه‌شناسی، در توضیح و فهم پدیده‌ها و مسائل جامعه ایران به کمک جامعه بیاید، نه تنها این اتفاق نیفتاده، بلکه چه بسا اندر مواقعی از فهم ما نیز مانع شده است. در چنین وضعیتی چند سوال شکل می‌گیرد؛ اینکه آیا باید از این رشته مخالف دوری کرد یا اینکه به دوری همت به بازسازی آن دو؟ آیا می‌توان بین گونه‌های مختلف جامعه‌شناسی تفاوت قائل شد و پرسش از جامعه‌شناسی یا جامعه‌شناسی تقلیل داد و آیا می‌توان گفت این علم در این دوره به یک فرم ثابت فروکاست کرده که در بسیاری روشنفکران دچار این توهم شده‌اند؟ تمام این پرسش‌ها و مواردی دیگر- که حتما اهمیت دارند- بحث‌هایی هستند که در سال‌های اخیر در نسبت ما و جامعه‌شناسی وجود داشته‌اند. جنگ در فلسطین، تحولات پرسرعت جهانی و اعتراضات به نوع حکمرانی و ایضا خواسته‌های گوناگونی که در سال‌های اخیر شکل گرفته، نشان می‌دهد جامعه‌شناسی ناتوان لحظه‌ای که متر تواسه آن را تشریح کند یا برای ما توضیحی ارائه دهد، سول‌ان است که چه باید کرد و سرانجام این رشته علمی در کنتور ما چه کاربستی خواهد شد؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها در میزگردی با حضور محمدرضا قائمی‌نیک عضو هیات علمی دانشگاه علامه اسلامی روشن و مصطفی غفاری عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق (ع) پیرامون همین مسائل به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

اتفاقاتی مثل سال‌های ۹۶، ۹۸، ۱۴۰۱ و این آخری یعنی جنگ غزه، به ما نشان داد جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی در ایران ظرفیت سنجش سال‌های مختلف را ندارد یا در لحظات مهم که درحال رخ دادن است، از فهم ما عقب است؟

غفاری: من وارداتی بودن جامعه‌شناسی گاهی به مسئله‌هایی جواب می‌دهد که مسأله جامعه خودتان نیست به همین دلیل هم علم جامعه‌شناسی اینجا نمی‌گیرد. یک نکته دیگر در استقبال از فرمایش ایشان (دکتر قائمی‌نیک)، عرض کنم و آن اینکه آیا جامعه ایران از لحاظ ماهیت اجتماعی همان جامعه فرانسه است؟ این خودش محل بحث است. آیا جامعه‌شناسی فقط در ایران یا تاگوش‌ها در خیلی از کشورهای دیگر هم باگوشه است؟

احتمالا در خیلی از کشورهای دیگر هم باگوشه است.

غفاری: مثلا‌ً‌ند آیا جامعه‌شناسی غربی دارد؟ آیا در کرد جنوبی هم به همین معنا جامعه‌شناسی داریم؟ البته من اعتقاد دارم در سطح مسأله‌های اجتماعی ناشی از زندگی متجددانه، جامعه‌شناسی خوب کار می‌کند، در ایران باشد، چه کرد جنوبی، چه هند؛ چه آفریقای جنوبی و چه برزیل باشد. ممکن است که و پیش مقدماته هم به نظر برسد؛ به خاطر این است که ما به همان اندازه غربی شدن و مدرن شدن، به آن جنس مسأله‌ها دچار شده‌ایم؛ در جایی که مسأله‌های مشابه هستند. جامعه‌شناسی خوب کار می‌کند. حتی در همین جامعه ایران آن بخشی که مثلا‌ً‌ظ‌ی‌ف کنید، تجدد‌مآب یا تجدد‌زده است. جامعه‌شناسی معارف‌روی مسأله‌هایش جواب می‌دهد.

یعنی می‌شود گفت طبقه شهری متوسطه تهران و سنتول ممکن است یک هم‌افزایی در یک سری مسائل داشته باشند.

غفاری: یک نقطه این، مثلا‌ً‌ظ قشر نیازداری درآمدی و عدم‌داده در جامعه ما که ویبش ناشی از مسأله‌های مدرن باشد، که ویبش جامعه‌شناسی ایرانی در فهم آنها کارمی‌کند. چون در این لحظه در واقع یک‌وری بخشی از مسأله یا وری بخشی از جامعه کار می‌کند که دیگر لازم نیست آن‌آن دیسیپلین غربی فاصله بگیرد. این راه‌ها نقاط تلاقی دارد؛ این‌طور نیست که ما بگذارم این‌ها بیایند می‌بود بعد از انقلاب اسلامی قرار راه این شیوه توضیح داد که تا حالا سرمایه‌داری توضیح می‌داد و یا دولت رفاه؛ یا چیز دیگر آن را حل می‌کرده، حالا بیایند من یک علم اجتماعی دارم که در ایران و شرایط ما بعد انقلابی متولد شده، احتمالا‌ً‌ها جهانی قرار دارد. این‌طور نیست که ما بگوییم این حل مسأله می‌کند. ما اندیشمندی در ایران داریم که از فقر ایرانی راهم داشته باشیم. همچنان که وقتی اندیشمندی در

سه‌شنبه ۱۹ دی ۱۴۰۲
شماره ۴۰۵۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY
ایده حکمرانی
[نقد و بررسی اندیشه‌ها]

جامعه‌شناسی به عنوان یک علم ندارد؛ اصلا‌ً‌گاه اجتماعی این رابه ما می‌گوید. یعنی مسائل اجتماعی فارغ از اینکه ما چیزی به اسم علم جامعه‌شناسی داشته باشیم یا نداشته باشیم، تک‌خلتی نیستند؛ همچنان‌که چندپیامدی هم هستند؛ یعنی وقتی دقیق نگاه می‌کنی آثار کوتاه‌مدت، آثار بلندمدت، آثار فردی و آثار ضعیف و منفی دارند. اینگونه است که ماجرا پیچیده می‌شود. چون می‌توانیم به علت‌های مختلف، سبب‌های مختلفی بدهیم یا حتی می‌توانیم زنجیره علل را بررسی کنیم و ببینم چه علتی به چه علت دیگری کمک کرده که ما با این پدیده مواجه بشویم. در نتیجه وقتی در خصوص چنین صحبت می‌کنیم، «اثبات شیء نفی ما عدا» نمی‌کند. نمی‌خواهیم چیزهای دیگر نفی شود و توجه می‌دهیم که باید چند ضلع را با هم ببینیم. این هم البته نکته مهمی است که یک جاهایی نظام سیاسی و حتی جهت‌گیری‌های سیاسی اجازه ورود به مسأله را به جامعه‌شناسی نمی‌دهد یا استقبال نمی‌کند؛ آن علم مسأله‌مند نشود یا مسأله‌اش به‌رسمیت شناخته نشود؛ به‌خصوص قبول کردن اینکه چنین مسأله‌ای وجود دارد، چیزی است که باید از طرف نظام سیاسی اتفاق بیفتد؛ آن وقت تازه جامعه‌شناسی فعال می‌شود. اما این هم فقط مشکل ما نیست. در همه جای دنیا جامعه علمی کم و بیش چنین مسأله‌ای با نظام سیاسی دارد.

اگر می‌شود در مورد وارداتی بودن مسأله‌ها هم صحبت کنید.

غفاری: من وارداتی بودن مسأله‌ها را گفتم، برای همین مثال همجنسگرایی را در ایران زدم، یعنی شاید به عنوان جامعه‌شناسی گاهی به مسأله‌هایی جواب می‌دهید که مسأله جامعه خودتان نیست به همین دلیل هم علم جامعه‌شناسی اینجا پا نمی‌گیرد. یک نکته دیگر در استقبال از فرمایش ایشان (دکتر قائمی‌نیک)، عرض کنم و آن اینکه آیا جامعه ایران از لحاظ ماهیت اجتماعی همان جامعه فرانسه است؟ این خودش محل بحث است. آیا جامعه‌شناسی فقط در ایران یا تاگوش‌ها در خیلی از کشورهای دیگر هم باگوشه است؟

احتمالا در خیلی از کشورهای دیگر هم باگوشه است.

غفاری: مثلا‌ً‌ند آیا جامعه‌شناسی غربی دارد؟ آیا در کرد جنوبی هم به همین معنا جامعه‌شناسی داریم؟ البته من اعتقاد دارم در سطح مسأله‌های اجتماعی ناشی از زندگی متجددانه، جامعه‌شناسی خوب کار می‌کند، در ایران باشد، چه کرد جنوبی، چه هند؛ چه آفریقای جنوبی و چه برزیل باشد. ممکن است که ویبش و مقدماته هم به نظر برسد؛ به خاطر این است که ما به همان اندازه غربی شدن و مدرن شدن، به آن جنس مسأله‌ها دچار شده‌ایم؛ در جایی که مسأله‌های مشابه هستند. جامعه‌شناسی خوب کار می‌کند. حتی در همین جامعه ایران آن بخشی که مثلا‌ً‌ظ‌ی‌ف کنید، تجدد‌مآب یا تجدد‌زده است. جامعه‌شناسی معارف‌روی مسأله‌هایش جواب می‌دهد.

یعنی می‌شود گفت طبقه شهری متوسطه تهران و سنتول ممکن است یک هم‌افزایی در یک سری مسائل داشته باشند.

غفاری: یک نقطه این، مثلا‌ً‌ظ قشر نیازداری درآمدی و عدم‌داده در جامعه ما که ویبش ناشی از مسأله‌های مدرن باشد، که ویبش جامعه‌شناسی ایرانی در فهم آنها کارمی‌کند. چون در این لحظه در واقع یک‌وری بخشی از مسأله یا وری بخشی از جامعه کار می‌کند که دیگر لازم نیست آن‌آن دیسیپلین غربی فاصله بگیرد. این راه‌ها نقاط تلاقی دارد؛ این‌طور نیست که ما بگوییم این حل مسأله می‌کند. حتی در همین جامعه ایران آن بخشی که مثلا‌ً‌ظ‌ی‌ف کنید، تجدد‌مآب یا تجدد‌زده است. جامعه‌شناسی معارف‌روی مسأله‌هایش جواب می‌دهد.

قائمی‌نیک: حالا‌ً‌ظ‌ه غفاری جامعه را می‌گویید که گاهی تکه‌های قبلی خودم باشد، هم استقبالی از فرمایش جناب قائمی‌نیک و هم نکاتی که ایشان فرمودند. من در دیسیپلین جامعه‌شناسی کار می‌کنم و نه در تاسیس؛ یک مثال ساده بزنم تا اصالت دگرگونی به سطح فلسفی برای چیست؟ برای این است که نمی‌خواهم مسأله‌ای که ایدئولوژی جامعه در رویدن و تولد آن نقش دارد را به این معنا ساده است یا اصلا‌ً‌تیا واقعا‌ً‌این بحران یا این نگاه حل شود. چه لزومی دارد که پیرامون تحلیل جامعه‌شناسی وسط بیاید؟ شاید ما با ساز کار دیگری در اقتصاد حل شود. به‌طور کلی هم نیازی به علمی به نام علم اجتماعی و جامعه‌شناسی نداشته باشیم یا اینکه مسأله ما با مسأله‌اش حل شود. نمی‌خواهم بگویم که اساسا درک ما از آن بحران واقعی - که حالا غزه، بیشتر، پوشش پیدا می‌کند- چقدر برای ما اهمیت دارد و ما در